

در برابر تعرض سرمایه ، راهی جز اتحاد ، مبارزه و همبستگی کارگری وجود ندارد

فشارهای بی حد و حصری که بورژوازی ایران و دولت اسلامی پاسدار منافع سرمایه داران و مرتجعین برگرده طبقه کارگر ایران تحمیل نموده است برکسی پوشیده نیست. خارج ساختن کارگاههای ۵ نفره و کلیه کارگاههای قالی بافی از شمول قانون کار، تصویب ماده ۹۴ لایحه نظام صنفی و محروم ساختن کارگران کارگاههای کوچک از تامین بیمه های اجتماعی، محروم ساختن کارگران موقت از حق بیمه بیکاری طبق رای ”دیوان عدالت اداری“، خروج کارگاههای ده نفره و کلیه کارگرانی که با قراردادهای موقت و تحمیلی مشغول به کارند از شمول قانون کار که هم اکنون مجلس ارتجاع دارد زمینه های تصویب آن را فراهم می کند، تعرضات پی در پی و سیستماتیک سرمایه داران علیه کارگران، و تعرض به زندگی و معیشت کارگرانی است که حتا نان خالی هم به زحمت می توانند بر سفره خود حاضر کنند و سال های متمادی است که ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک آنان نیز پایمال شده است. در کنار این ها، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا، تداوم خصوصی سازی ها، اخراج ها و بیکارسازی های وسیع به بهانه ”تغییر ساختار“ و ”بازسازی و نوسازی صنایع“، ساعات کار طولانی، اضافه کاری های اجباری، ناایمنی شرایط و محیط کار، مجبور ساختن کارگر به هر کاری که کارفرما به وی محول می کند، تشدید فشار کار و استثمار، دستمزدهای ناچیز و پائین که عموما با تاخیر پرداخت می شود، روزگار میلیون ها کارگر و اعضا خانواده آنها را سیاه کرده و طبقه کارگر ایران را از همه سو تحت فشارهای غیر قابل تحملی قرار داده است.

طبقه سرمایه دار و دولت پاسدار منافع این طبقه، می خواهند کارگران ایران را به بره های رام و بی آزاری تبدیل کنند که صبح تا شام برای آنها کار کنند، شرایط سخت و خشونت بار و برده وار آنها را بی برو برگرد بپذیرند و هیچ زبانی به اعتراض و برای احقاق حقوق خود نگشایند. تحمیل چنین شرایط سخت و طاقت فرسائی بر کارگران ایران که با یک رشته وعده های توخالی اصلاح طلبان حکومتی نیز همراه بوده است، گرچه طبقه کارگر ایران را در کلیت خود به موضع دفاعی افکنده است، اما کارگران ایران هیچ گاه به این شرایط و خواست سرمایه داران رضایت نداده اند، بلکه در برابر این تعرضات مقاومت و اعتراض نموده و برای احقاق حقوق خود، مبارزات و اعتصابات متعددی را نیز سازمان داده اند.

هفته ای و روزی نیست که یک یا چند اعتراض و اعتصاب کارگری به وقوع نپیوندد. به رغم تمام محدودیت ها و مانع تراشی های پیچ در پیچ، و به رغم تشدید فشار و سرکوب ، روزها و هفته هائی هست که ما شاهد چندین اعتصاب و اعتراض کارگری هستیم. اعتصاب و اعتراض به شرایط تحمیلی موجود، اعتصاب با طرح خواست ها و مطالبات غالبا دفاعی و گاه مطالباتی فراتر از آن، اعتصاب در حمایت از سایر کارگران و در همبستگی با کارگرانی که خود دست به اعتصاب زده و کارها را خوابانده اند.

تنها در فاصله یک هفته ی ۹ تا ۱۴ آبان بیش از یازده اعتصاب و اجتماع اعتراضی مهم کارگری گزارش شده است. نهم آبان کارگران چینی سازی مهدی یزد، دست به اعتصاب سه روزه زدند، همان روز کارگران و کارکنان خدماتی دانشگاه تربیت معلم نیز دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. باز در همان روز کارگران نساجی کردستان دست به تحصن و اعتصاب زده و به مدت سه روز به نشان اعتراض دست به اعتصاب غذا زدند. دهم آبان کارگران اسپارک ماشین تول اعتصاب دو روزه ای را آغاز کردند. همان روز کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر دست به اعتصاب و راهپیمائی زدند. یازده و دوازده آبان در حالی که اعتصاب در چینی سازی مهدی یزد و نساجی کردستان ادامه داشت، کارگران اخراجی در کاشان نیز در برابر اداره کار دست به تجمع زدند و باز در همان روز کارگران کارخانه چینی سازی ابهر دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارگران ”آذرخش“

شاهرود روز ۱۴ آبان دست از کار کشیدند و روزهای بعد نیز به تجمعات اعتراضی خود ادامه دادند. همان روز کارگران ذوب روی قشم در استان هرمزگان دست به اعتصاب زدند. باید در نظر داشت که این حجم از اعتصابات و اعتراضات کارگری اولاً تنها در مقطع یک هفته، آن هم فقط مواردی بوده است که در روزنامه های رژیم انعکاس یافته است. بدیهی است که اعتراضات و اعتصابات کارگری به همین موارد خلاصه نمی شود و کارگران در دهها مورد دیگر، پیش و پس از این مقطع نیز دست به اعتصاب و تجمع زده و یا به اشکال دیگر برای دست یابی به مطالبات خود دست به اعتراض و مبارزه زده اند.

اگر چه در اکثر این اعتصابات و اعتراضات، کارگران به طرح مطالباتی با مضمون دفاعی پرداخته اند و خواست هایی چون پرداخت دستمزدهای معوقه، حفظ اشتغال و اعتراض به اخراج و بلاتکلیفی و امثال آن را به میان کشیده اند، اما در مواردی هم خواست های دیگری و با مضمون عالی تری را مطرح کرده اند که به روشنی نشان از پیشرفت درجه آگاهی کارگران و تشخیص برخی نیازهای عملی مبارزات کارگری و کوشش به عملی ساختن آن می باشد.

به عنوان نمونه کارگران ذوب روی قشم، نه فقط در اعتراض به سیاست های ضد کارگری مدیریت و برای افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند، بلکه محور اصلی اعتصاب آنها، اعتراض به اخراج کارگران با سابقه ی این کارخانه بود. در حمایت و پشتیبانی از کارگران اخراجی، کارگران به طور یک پارچه دست از کار کشیدند و اعلام کردند مادام که همکارانشان به سر کارهای خود باز نگردند، به اعتصاب ادامه می دهند.

نمونه مهم تر، نمونه کارگران کارخانه نساجی کردستان است. در این واحد نیز اعتصاب کارگران گرچه در اعتراض به باز خرید و شرایط باز خرید ۷۵ تن از کارگران این واحد آغاز گردید، اما در ادامه، بخش های مختلف کارخانه نساجی کردستان را در بر گرفت و همه کارگران سالن های ریسندگی و بافندگی در حمایت از این کارگران دست از کار کشیدند. خبر این اعتصاب به فوریت در سطح شهر سنندج پیچید و حمایت و همدردی کارگران خبازی و سایر اقشار مردم زحمتکش را نیز برانگیخت. افزون بر آن، سایر واحدهای تولیدی در سنندج از جمله کارخانه شاهو و شین بافت نیز با تهیه طومارهای حمایت آمیز به ابراز همبستگی با کارگران اعتصابی نساجی کردستان پرداختند.

ادامه اعتصاب کارگران نساجی کردستان و حمایت و همبستگی سایر واحدهای تولیدی با این کارگران که کم کم داشت تمام واحدهای تولیدی سنندج را در بر می گرفت و در ادامه حتی از سطح شهر سنندج هم فراتر می رفت، موضوعی نبود که از چشم رژیم و عوامل اطلاعاتی آن پنهان بماند. سنندج نیز می توانست چون سقز برای رژیم درد سر زار شود. به ویژه آن که اعضاء خانواده کارگران نیز به نشان حمایت از کارگران، خود را به پشت در کارخانه رسانده بودند تا به آنان ملحق شوند. از همین رو بود که وزارت کشور رژیم و شاخ و برگ های آن در کردستان و سنندج نیز شدیداً وحشت زده شده و نیروهای سرکوب و انتظامی نیز از همان آغاز چهار چهره چشمی مراقب اوضاع بودند. هوشیاری کارگران در ابراز همبستگی و حمایت فعال از اعتصاب کارگران نساجی کردستان، مسئله کارگران نساجی را به درستی به مسئله کل کارگران تبدیل می کرد و در برابر سرمایه داران و کارفرمایان، نیرو و پای همه کارگران را به وسط می کشید.

همین اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران بود که تاثیر قاطع و انکار ناپذیر خود را در عقب راندن کارفرما که به هیچ عنوان حاضر به کوتاه آمدن در برابر کارگران نساجی کردستان نبود برجای گذاشت و پذیرش پاره ای از مطالبات کارگران را بر وی تحمیل کرد.

نمونه اعتصاب کارگران نساجی کردستان که مشمول اخراج و باز خرید اجباری شده و در زمره قربانیان "طرح نوسازی" بودند - این طرح که به بهانه نوسازی و باز سازی صنایع نساجی به میان کشیده شد، به کل صنایع تعمیر یافت- و اعتصاب و همبستگی شورانگیز سایر کارگران در حمایت از هم زنجیران خود، به خوبی نشان داد که اتحاد و همبستگی کارگران شاغل و کارگران اخراجی و بیکار، می تواند راه را بر تعرض و زورگویی سرمایه دار و کارفرما مسدود کند و پیروزی هایی نیز برای کل کارگران به همراه داشته باشد. همان طور که کارگران اخراجی و باز خریدی، در آغاز شغلی داشتند

و بیکار نبودند، بدیهی است که عارضه اخراج و بیکاری می توانست و می تواند دامن کارگران هنوز شاغل را هم بگیرد. تشخیص این مسئله که کارگران شاغل یا بیکار موقت یا دائم منافع طبقاتی واحدی دارند، موضوع بسیار حائز اهمیتی است و کارگران شاغل به وسیله ابراز همبستگی با کارگران اخراجی و پشتیبانی از آنها که یک نیاز عملی مبارزاتی است، رشد درجه آگاهی خود را در تشخیص این منافع واحد به نمایش گذاشتند. اعتصاب کارگران نساجی کردستان، اعتصابات کارگری در سایر شهرها و استانها در همین دوره کوتاه یک هفته ای، در عین حال گویای این واقعیت هم هست که با سیاست زور و فشار و سرکوب که رژیم هم اکنون با شدت بیشتری به آن ادامه می دهد، نمی توان جلوی مبارزات کارگران را گرفت و آنها را به بردگانی خاموش مبدل ساخت. اعتصاب و تجمع اعتراضی که طبق فتوای خمینی عملی "حرام" و ممنوع بود و خامنه ای در اوائل سال جاری و در ممنوعیت آن فتوای دوباره صادر کرد، کماکان مهم ترین شکل مبارزه و اعتراض کارگری است. کارگران بی نیاز از جواز و بی اعتنا به "فتوا" برای رسیدن به مطالبات خودمبارزه می کنند و دست به اعتراض و اعتصاب می زنند. در برابر تعرض سرمایه و برای رسیدن به مطالبات کارگری راهی جز اتحاد و همبستگی کارگری و تشدید مبارزه علیه نظم حاکم وجود ندارد.

برگرفته از نشریه کار شماره ۴۴۱ - نیمه دوم آبان ۱۳۸۳